



شیوا دولت‌ایادی

چرا و چونه بعضی سلیقه‌ها و اگیردارند و تب‌گونه در جامعه تسری پیدا می‌کنند؟ پدیده‌هایی از قبیل به وجود آمدن ناگهانی پاتوق‌ها، گرایش به مدهای پوشش مدل‌های آرایش، سرگرمی‌ها و ظایر اینها...

روانشناسی اجتماعی به تبایل به همین‌گاهی با جماعت به عنوان همگرایی اجتماعی نگاه می‌کند و کمی دیرتر در این بحث نگاهی به مبالغه در همگرایی نیز خواهیم انداخت که زیرینی تحمل پدیده مورد بحث ماست. ولی ب هر حال و به طور کلی در همه گونه‌های موجودات می‌توان شواهدی برای رفتارهای اتوماتیک جمی مساهده کرد. برای نمونه وقتی یک پرسنلی مهاجر بالای خود را برای پرواز می‌گشاید، می‌بینیم ناگهان خیلی از پرنده‌گان همنوع پرواز را آغاز می‌کنند.

در سطح تحول طبیعی انسان، تقلید یکی از راههای مجاز و متدال برای یادگیری است. از طریق الگوگرایی از رفتارهای دیگران است که کوکان نیاز به همانندسازی و فرهنگ‌پذیری خود را ارضاء می‌کنند.

در دوران خردسالی کوکان از بزرگ‌ترهای محظوظ و دلپذیر خود یا صاحبان قدرت تقدیل می‌کنند. از از همین تقدیلها و بازی‌های باوری است که با در نقش و قلب بزرگ‌ترها فرار گرفتند. کوکان هم نقش اموزی می‌کنند و هم توشن از بزرگ‌ترها میریزند. پس از نظر زیرینی ما فرآیند هوتیلی سر و کار هویت یابی قرار می‌گیرند. پس از نظر زیرینی ما توشن دیدای این دسته از رفتارهای اسری تبالود را فرآیند طبیعتی تحول انسان‌ها بین پیدا کرد، آنجا که تقلید از رفتارهای دیگران برای کسب شناخت بیشتر از چنان و زندگی اعطای و در نتیجه شیوه شیوه بیشتر می‌دانند. همگرایی‌های متعدد و اندیشه‌یده احساس تعلق به جمعب افزایش می‌دهد و احسان‌نمایی می‌کند.

تگری از تهایی و راهنمایی انسان‌ها را به آری گفتن به جمعب ادار می‌کند. انسان‌ها می‌دانند بودن و نمکین به جمعب از ازادی را فدا می‌کنند. همین جریان نوعی باور از آزادی خلاق تحمل کنند.

کمک می‌کند تا گزیخ خود را از ازادی خلاق تحمل کنند. در ادبیات جامعه‌شناسنخانی اعلیٰ تفکیک طبیعی میان جامعه و جماعت صورت می‌گیرد که در آن، جماعت واحد نوعی هویت و بیزه است در حالی که جامعه خیل و اتر فهمیده می‌شود. عضویت در جماعت در برای ترس از تهایی ارزش پیدا می‌کند.

ما توهدهای مردم در عصر حاضر و به اصطلاح انسان‌های مدرن، در عصر شهرنشینی‌هایی می‌بیویت. در عصر اتفاقا، گرانباری و آلدگی‌های اطلاعات فرست

برای تامل و اندیشیدن دوباره رفتارهای خود را از دست دادایم.

«روزمره» و «روزمرگی» توانایی تحلیل و پردازش سهل اطلاعات و اتخاذ تصمیم‌های مناسب از مارک‌گفتگه است. ارتباط‌هایمان سلطی است و فرست

عیقق شدن پیدا نمی‌کند. دنیای اطلاعات و دنیای درون ما از شتاب در حال تغییر است و دنیای رسانه‌های - عمده‌تاً با انگیزه‌های سودجویانه خود مار در تگرای همیشگی قب ماندن از قافله‌ها نگه می‌دارد، آستانه‌های اوصیه می‌کند. استرس‌ها غلبه می‌کنند و برناهای

برای بروز برقی هیجان‌های ناشی از این گونه زستن و این گونه بودن فراهم نمی‌شود. دنیای ما هر روز بیشتر غیرقابل پیش‌بینی می‌شود. هیجان‌های فراوانی را با خود حمل می‌کنیم و ما بدن آگاهی و برناهای دنیا فرسته‌ای برای تخلیه هیجان‌های منفی و سرگردان خویش هستیم.

نسل جوان ما در سدر گمی ناشی از جریمه دنیای اینچیخین غریب که هماره با انگرایی از ایندهای میهم و چنگ دانمی میان گیریز و ظایف نیز تحمل

و تحمل می‌شود سر می‌کند. انسان به صورتی بدینه به عنوان موجودی که از اجتماع برخاسته است، می‌کوشد باحضور در جامعه به هستی خود معنا پیشداشت. این حضور و کنش‌های اجتماعی عرصه‌ای است که فرد در آن با

بدین خود در اینه دیگران خود را بازناسنی می‌کند. تعلق به جمعب کاکش اضطراب‌ها کمک می‌کند ولی همزمان جمع هم سلیقه‌ها و هنجارهای خود را به اعضا خود دیگر می‌کند. هر جماعتی در عین حال در بی این است که خود را چیزی متفاوت از خیل بی هویت می‌نماید.

به اعضا خود می‌نماید که با اینها از تهایی رسانه‌های - عمده‌تاً با انگیزه‌های سودجویانه خود مار در

تگرای همیشگی قب ماندن از قافله‌ها نگه می‌دارد، آستانه‌های اوصیه می‌کند. استرس‌ها غلبه می‌کنند و برناهای

برای بروز برقی هیجان‌های ناشی از این گونه زستن و این گونه بودن فراهم نمی‌شود. دنیای ما هر روز بیشتر غیرقابل پیش‌بینی می‌شود. هیجان‌های فراوانی را با خود حمل می‌کنیم و ما بدن آگاهی و برناهای دنیا فرسته‌ای برای تخلیه هیجان‌های منفی و سرگردان خویش هستیم.

نسل جوان ما در سدر گمی ناشی از جریمه دنیای اینچیخین غریب که هماره با انگرایی از ایندهای میهم و چنگ دانمی میان گیریز و ظایف نیز تحمل

و تحمل می‌شود سر می‌کند. انسان به صورتی بدینه به عنوان موجودی که از اجتماع برخاسته است، می‌کوشد باحضور در جامعه به هستی خود معنا

پیشداشت. این حضور و کنش‌های اجتماعی عرصه‌ای است که فرد در آن با

بدین خود در اینه دیگران خود را بازناسنی می‌کند. تعلق به جمعب کاکش اضطراب‌ها کمک می‌کند ولی همزمان جمع هم سلیقه‌ها و هنجارهای خود را

به اعضا خود دیگر می‌کند. هر جماعتی در عین حال در بی این است که خود را چیزی متفاوت از خیل بی هویت می‌نماید.

بدین خود در اینه دیگران خود را بازناسنی می‌کند. تعلق به جمعب کاکش اضطراب‌ها کمک می‌کند ولی همزمان جمع هم سلیقه‌ها و هنجارهای خود را

به اعضا خود دیگر می‌کند. هر جماعتی در عین حال در بی این است که خود را چیزی متفاوت از خیل بی هویت می‌نماید.

بدین خود در اینه دیگران خود را بازناسنی می‌کند. تعلق به جمعب کاکش اضطراب‌ها کمک می‌کند ولی همزمان جمع هم سلیقه‌ها و هنجارهای خود را

به اعضا خود دیگر می‌کند. هر جماعتی در عین حال در بی این است که خود را چیزی متفاوت از خیل بی هویت می‌نماید.

بدین خود در اینه دیگران خود را بازناسنی می‌کند. تعلق به جمعب کاکش اضطراب‌ها کمک می‌کند ولی همزمان جمع هم سلیقه‌ها و هنجارهای خود را

به اعضا خود دیگر می‌کند. هر جماعتی در عین حال در بی این است که خود را چیزی متفاوت از خیل بی هویت می‌نماید.

بدین خود در اینه دیگران خود را بازناسنی می‌کند. تعلق به جمعب کاکش اضطراب‌ها کمک می‌کند ولی همزمان جمع هم سلیقه‌ها و هنجارهای خود را

به اعضا خود دیگر می‌کند. هر جماعتی در عین حال در بی این است که خود را چیزی متفاوت از خیل بی هویت می‌نماید.

بدین خود در اینه دیگران خود را بازناسنی می‌کند. تعلق به جمعب کاکش اضطراب‌ها کمک می‌کند ولی همزمان جمع هم سلیقه‌ها و هنجارهای خود را

به اعضا خود دیگر می‌کند. هر جماعتی در عین حال در بی این است که خود را چیزی متفاوت از خیل بی هویت می‌نماید.

بدین خود در اینه دیگران خود را بازناسنی می‌کند. تعلق به جمعب کاکش اضطراب‌ها کمک می‌کند ولی همزمان جمع هم سلیقه‌ها و هنجارهای خود را

به اعضا خود دیگر می‌کند. هر جماعتی در عین حال در بی این است که خود را چیزی متفاوت از خیل بی هویت می‌نماید.

لذت بیشتری می‌بریم.

لذت بیشتری می‌بریم.